اعتماد اجتماعی و تأثیر آن بر مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه هرمزگان

مصطفی ظهیری‌نیا*
هدایت‌الله نیکخواه**
احمد فلاحی شاه‌آباد***
سهیل صادقی****
امید عزیززاده*****

تاریخ دریافت:۹۵/۰۲/۱۹
تاریخ پذیرش:۹۵/۰۳/۱۳

چکیده

مشارکت یکی از موضوعات مهم در تحقیقات سرمایه‌ی اجتماعی است؛ به طوری که اهمیت آن همواره به صورت گسترده‌ای از سوی نظریه‌پردازان مختلف علوم سیاسی و اجتماعی تأکید می‌گردد. این مقاله با هدف بررسی میزان اعتماد و چگونگی ارتباط آن با مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه هرمزگان صورت گرفته است. جامعه‌ی آماری این پژوهش، مشتمل بر کلیه‌ی دانشجویان دانشگاه هرمزگان در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ است که تعداد ۲۵۰ نفر از آنها براساس روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب، تواًم با روش تصادفی انتخاب شده‌اند. روش تحقیق در این پژوهش، پیمایشی بوده و از ابزار پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. برای بررسی اعتبار و قابلیت اعتماد پرسشنامه از اعتبار محتوایی و ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. در این مطالعه، نظریه‌ی پاتنام در حوزه‌ی اعتماد و مشارکت اجتماعی به عنوان چهارچوب نظری تحقیق انتخاب و داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPASS تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان در حد متوسط بوده و رابطه‌ی آن با اعتماد اجتماعی، مثبت و مستقیم است. همچنین نتایج به دست آمده از مدل رگرسیونی چندمتغیره‌ی تحقیق، نشان می‌دهد که ۲۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته با متغیر مستقل پژوهش (اعتماد اجتماعی) تبین و پیش‌بینی می‌شود. نتیجه‌ی نهایی پژوهش این است که در تبین مشارکت اجتماعی دانشجویان، سهم اعتماد به مسئولین دانشگاه بیش از دیگر متغیرها بوده و اعتماد به اساتید کمترین تأثیر را داشته است.

کلیدواژه‌ها: مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انواع اعتماد، دانشجویان دانشگاه هرمزگان.

* دکترای جامعه‌شناسی و استادیار علوم اجتماعی دانشگاه هرمزگان. zahirinia@hormozgan.ac.ir
** دکترای جامعه‌شناسی و استادیار علوم اجتماعی دانشگاه هرمزگان. hnik2000@yahoo.com
*** کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه هرمزگان. Ahmadffff68@yahoo.com
**** کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه هرمزگان. sadeghi_s14@yahoo.com
***** کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه خوارزمی تهران. omid0205@yahoo.com

[Downloaded from rdch.ir on 2026-09-13]

مقدمه و بیان مسئله

مشارکت[1] به معنای همکاری، نخستین رفتار اجتماعی است که از انسان سرزده و در معنای بسیط خود، از مباحث مربوط به دموکراسی[2] ـ که برخی سابقه‌ی آن را به نظام‌های سیاسی یونان باستان می‌رسانند ـ نشأت می‌گیرد. در دوران جدید هم به خصوص از عصر روشنگری[3] به بعد، مباحث نو در این زمینه اهمیت روزافزونی یافته است تا جایی که جامعه‌ی مدنی[4] به واسطه‌ی بسط و گسترش مشارکت‌های اجتماعی و نهادهای مدنی تعریف می‌شود (علی‌پور و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱۰). گائوتری[5]، از همکاران یونسکو در زمینه‌ی مشارکت، «مشارکت را فرآیندی اجتماعی، عمومی، یکپارچه، چندگانه، چند بعدی و چند فرهنگی تعریف می‌کند که هدف از آن کشاندن همه‌ی مردم به ایفای نقش در همه‌ی مراحل توسعه است.» (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۹۰).

بنیادی‌ترین اندیشه‌ی زیر ساز مشارکت، پذیرش اصل برابری مردم است و هدف از آن هم فکری، همکاری و تشریک مساعی افراد برای بهبود توانمندسازی افراد جامعه می‌باشد که بر سه ارزش بنیادی سهیم کردن مردم در قدرت، اجازه دادن به آنها در نظارت بر سرنوشت خویش و بازگشودن فرصت‌های پیشرفت به روی آنها تأکید دارد. جریان مشارکت به عنوان یک نظام کارکردی در سطوح کلان، میانی و خرد با کارکردهای افزایش ثبات اجتماعی، تقویت روحیه‌ی همبستگی و کاهش تعارضات گروهی، از بین بردن فرهنگ حاشیه‌نشینی، شکوفایی استعدادها و بروز خلاقیت، بسط ارزش‌های دموکراتیک[6]، سهیم شدن در منابع قدرت و تقویت روحیه‌ی مسئولیت‌پذیری همراه است (وحیدا و نیازی، ۱۳۸۳: ۲۰). در زمینه‌ی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی به موارد زیادی اشاره شده است؛ از جمله عواملی که می‌توان نقش مهمی برای آن ذکر کرد بحث سرمایه‌ی اجتماعی است[7]. سرمایه‌ی اجتماعی در واقع منابعی است که افراد و گروه‌ها از طریق پیوند با یکدیگر می‌توانند به دست آورند (شارع پور، ۱۳۸۵: ۱۱)، یکی از این منابع اعتماد اجتماعی[8] است که چنین تعریف می‌شود: اعتماد اجتماعی بر انتظارها و تعهدات اکتسابی و تأییدشده‌ای دلالت دارد که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی‌شان دارند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۹). اعتماد، از گذشته‌های دور در جوامع انسانی نقش مهمی ایفا کرده است. در جوامع گذشته، اعتماد بین‌شخصی[9] زیادی در بین افراد وجود داشت؛ زیرا مردم بیشتر با کسانی ارتباط داشتند که به نوعی با آنان آشنا بودند. اعتماد سبب می‌شود روابط اجتماعی محکم و صلح‌آمیز گردد که این به نوبه‌ی خود، پایه و اساس رفتارهای جمعی و همکاری‌های سازنده است. اعتماد افراد به یکدیگر، نهادها، دولت و به عکس؛ یعنی اعتماد دولت به شهروندان، سبب توسعه و تعمیق مشارکت‌های اجتماعی می‌شود. شواهد بسیاری دال بر کاهش اعتماد اجتماعی در تمام ابعاد

1. Particiption
2. Democracy
3. Enlightenment
4. Civic sociaty
5. Gaotri
6. Democratic Values
7. Social Capital
8. Social Trust
9. Interpersonal trust

[Downloaded from rdch.ir on 2026-09-13]

و سوگیری عاطفی و خاص‌گرا در روابط کنشگران در جامعه‌ی ایران وجود دارد. مطالعات صورت گرفته در سطح کشور از کاهش نسبی اعتماد اجتماعی در میان اقشار مختلف جامعه حکایت می‌کند (ر.ک. آزاد ارمکی و کمالی، ۱۳۸۳؛ شارع پور، ۱۳۸۰؛ قدرتی، ۱۳۸۷). همچنین براساس تحقیقات صورت گرفته در سال‌های اخیر، مشارکت در ایران هنوز به جایگاه اصلی خود دست نیافته است. تحقیقات صورت گرفته (ر.ک. سروش و افراسیابی، ۱۳۸۹؛ یزدان‌پناه و صمدیان، ۱۳۸۷؛ نیازی، ۱۳۸۵و شادی‌طلب، ۱۳۸۲) دیدگاه مشارکتی بودن ایرانیان در امور محلی و غیر رسمی و نامشارکتی‌بودن آنان در امور عمومی و اجتماعی را تأیید می‌کند؛ بنابراین کاهش اعتماد و مشارکت، از آسیب‌های جامعه‌ی ایران به شمار می‌آید و هرجا که میزان مشارکت در پیوندهای اجتماعی کاهش یابد، آسیب[1] و انحرافات اجتماعی[2] افزایش می‌یابد. اعتماد باعث می‌شود افراد در روابط اجتماعی خود با دیگران، هرگونه بدگمانی را کنار گذاشته و روابط صمیمانه‌ای برقرار کنند که بدون اعتماد چنین روابطی شکل نمی‌گیرد. به عکس بی‌اعتمادی باعث سوءظن نسبت به دیگران و ضعف اعتماد به نفس در افراد می‌شود و درنتیجه بی‌اعتمادی اختلال در روابط و فقدان همکاری‌های جمعی را به همراه دارد؛ بنابراین، می‌توان گفت اعتماد و مشارکت از اساسی‌ترین مسائلی است که جوامع امروزی با آنها مواجه‌اند. اعتماد و مشارکت اساس شکل‌گیری روابط اجتماعی و توسعه‌ی یک جامعه محسوب می‌شود و کاهش یا افزایش آنها می‌تواند تأثیر زیادی بر ساختارهای مختلف جامعه و روابط اجتماعی مردم آن داشته باشد. در این میان دانشگاه به عنوان نهاد تولید علم و دانش که مایه‌ی افتخار و اقتدار کشور شناخته می‌شود؛ با آموزش و تربیت متخصصان و نخبگان، تولید علم و فناوری و ارتقای علم و فرهنگ در جامعه نقش مهمی در توسعه و سازماندهی کشور دارد. از سویی، یکی از ارکان اساسی دانشگاه و شاید اساسی‌ترین رکن آن را دانشجویان تشکیل می‌دهند؛ دانشجویانی که نمایندگان فکری جامعه محسوب می‌شوند و آینده‌ی یک جامعه نیز تا حدود زیادی به میزان مشارکت اجتماعی آنها در امور آن بستگی دارد. در تحقیق حاضر با توجه به اهمیت ذکر شده برای مشارکت دانشجویان و نقشی که اعتماد می‌تواند در این امر داشته باشد، به بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه هرمزگان می‌پردازد. در واقع، در تحقیق حاضر تلاش می‌شود به این پرسش اساسی پاسخ داده شود که تأثیر اعتماد اجتماعی بر میزان مشارکت اجتماعی چگونه می‌باشد؟

مروری بر پژوهش‌های پیشین

در حوزه‌ی اعتماد و مشارکت اجتماعی پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است. در زمینه‌ی پژوهش‌های داخلی به پژوهش‌های افرادی چون کیاکجوری و افراسیابی (۱۳۹۱)، سفیری و همکارانش (۱۳۸۸)، یار محمد توسکی و توسلی (۱۳۸٤) و قدیمی (۱۳۸٦) می‌توان اشاره کرد. آنها در پژوهش‌های خود با عنوان «عوامل مؤثر بر

1. Patho
2. Social deviance

[Downloaded from rdch.ir on 2026-09-13]

اعتماد یا مشارکت اجتماعی»، به بیشترین رابطه‌ی مثبت و معنادار بین متغیرهای مستقل و وابسته‌ی پژوهش، یعنی بین اعتماد و مشارکت اجتماعی دست یافتند. همچنین در پژوهش زارع شاه‌آبادی و نوریان نجف (۱۳۹۱) با عنوان «رابطه‌ی بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه یزد»، رابطه‌ی معناداری بین اعتماد و مشارکت اجتماعی دانشجویان تأیید شد. علی‌پور و همکاران (۱۳۸۸) نیز در پی دستیابی به رابطه‌ی بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران، به این نتیجه دست یافتند که بین اعتماد اجتماعی در سه شکل متفاوت آن (اعتماد بین‌شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته و نهادی[1]) و مشارکت اجتماعی سازمان‌یافته رابطه‌ی معناداری هست و متغیر اعتماد تعمیم‌یافته بهترین پیش‌بینی‌کننده برای مشارکت اجتماعی است. در زمینه‌ی پژوهش‌های خارجی، پژوهش سیپل[2] (۲۰۰۶)، نشان داد افرادی که در سازمان‌های ورزشی به طور داوطلبانه مشارکت دارند از اعتماد اجتماعی بیشتری برخوردارند و بیشتر پیگیر مسائل سیاسی و مدنی جامعه خود هستند. کاستا و کان[3] (۲۰۰۱) و اتکینسون و میکل رایت[4] (۱۹۹۲)، در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه‌ی معناداری هست. ناک و کیفر[5] (۱۹۹۷)، به این نتیجه رسیدند که هر چه اعتماد وجود داشته باشد مشارکت مدنی[6] و همکاری‌های مدنی افزایش می‌یابد و سبب می‌شود عملکردهای اقتصادی در جامعه بهتر رشد کند. نتایج تحقیق کلی[7] (۲۰۰۹) به صورت پیمایش در دانشگاه آدلفی صورت گرفت و به بررسی مشارکت شهری و اعتماد اجتماعی در میان اقلیت جوانان پرداخت. نتایج این پژوهش نشان داد جوانانی که در اقلیت قرار دارند کمتر درگیر فعالیت‌های اجتماعی هستند؛ زیرا آنان به سبب تبعیض در مسائل آموزشی و سایر مسائل با دیگران، بیشتر محدودیت‌های اجتماعی را تجربه می‌کنند. یافته‌های پژوهش اسلانر و براون[8] (۲۰۰۳) در زمینه‌ی نابرابری، اعتماد و مشارکت مدنی با استفاده از داده‌های ایالتی آمریکا در دهه‌های ۱۹۷۰، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ نشان داد که نابرابری موجب بی‌اعتمادی می‌شود؛ نابرابری عمدتاً به صورت غیر مستقیم و از طریق اعتماد بر مشارکت تأثیر می‌گذارد. نتایج به دست آمده از پژوهش رایزر و همکارانش (۲۰۰۱) اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد به افرادی غیر از دوستان و خویشاوندان و دوستان نزدیک، اعتماد به نهادهای عمومی و انجمن‌های مشارکتی نشان دادند که بین متغیرهای بررسی شده با اعتماد اجتماعی رابطه‌ی مستقیمی هست. با بررسی پژوهش‌های صورت‌گرفته مشخص می‌شود، بیشتر پژوهش‌هایی که درباره‌ی اعتماد و مشارکت اجتماعی دانشجویان در داخل و خارج کشور صورت گرفته، به طور خاص در عرصه‌ی جداگانه بررسی و مقایسه نشده است. از دیگر نکات قابل ذکر در این زمینه توجه اندک به تحقیق پیرامون اعتماد به مسئولین و اساتید دانشگاه است. لذا در تحقیق حاضر ضمن

1. Generalized trust and institutional
2. Seippel
3. Casta& Kahn
4. Atkinson & Micklewright
5. Knack &Keefr
6. Civil Partnership
7. Kelly
8. Uslaner& Brown

[Downloaded from rdch.ir on 2026-09-13]

استفاده از برخی شاخص‌ها و روش‌های تحقیقات پیشین و نیز استفاده از برخی چارچوب‌های نظری آن تحقیقات، مشارکت اجتماعی دانشجویان در دو بعد روحیه‌ی مشارکتی و رفتار مشارکتی با اعتماد اجتماعی، با تأکید بر اعتماد به دانشجویان، اساتید و مسئولین دانشگاه از دیدگاه خاص دانشجویان پرداخته شده است و ارزیابی دانشجویان از مشارکت در عرصه‌های نهادی قابل توجه قرار گرفته است.

چارچوب نظری

در این بخش، ابتدا مفهوم اعتماد اجتماعی که تلفیقی از نظریات زیمل (۲۰۰٤)، فوکویاما (۱۹۹۹)، گیدنز (۱۳۸۰)، زتومکا (۱۳۸٦)، کلمن (۱۳۸٦)، اینگلهارت (۱۳۸۲) و لومان (۱۹۹۷) به عنوان متغیر مستقل پژوهش؛ پس از آن مشارکت اجتماعی، تلفیقی از نظریات ارسطو و فلاسفه اجتماعی (۱۳٦٤)، گائوتری (۱۳۷۹)، سالیما عمر (۱۳٦٥)، آیزن و فیشبین (۱۹۹۹) و کلندرمن (۱۹۸٤) به عنوان متغیر وابسته‌ی پژوهش تشریح گردیده سپس با استفاده از نظریه‌ی پاتنام (۱۳۸۰، ۱۹۹۳ و ۲۰۰۰) به رابطه‌ی اعتماد و مشارکت اجتماعی پرداخته شده است.

ـ اعتماد اجتماعی

فرهنگ معین اعتماد را تکیه‌کردن بر، واگذاشتن کار و سپردن چیزی به کسی معنا کرده و اعتماد کردن را به معنای وثوق به کسی یا اطمینان‌کردن به کار برده است. در فرهنگ انگلیسی آکسفورد، اعتماد به عنوان اتکاء یا اطمینان به نوعی کیفیت، صفت یک چیز یا اطمینان به حقیقت یک گفته، تعریف شده است. زیمل با طرح مبادله و بیان منافع پشت سر آن، اعتماد را یکی از مهم‌ترین ضرورت‌های مبادله قلمداد می‌کند. به اعتقاد او بدون اعتماد عمومی افراد به یکدیگر جامعه تجزیه می‌شود؛ چرا که بسیاری از روابط میان آدمیان بر فقدان قطعیت میان آنها استوار است. به باور زیمیل، تعاملات انسانی بیش از دلایل عقلانی و ملاحظات شخصی از طریق اعتماد استمرار می‌یابند (زیمل، ۲۰۰٤ به نقل از منصوریان و قدرتی، ۱۳۸۸: ۱۹۰). فوکویاما اعتماد را انتظاری می‌داند که در یک جامعه از رفتار مقرراتی، مسئولانه و همیارانه‌ی بخشی از اعضای دیگر جامعه که بر هنجارهای مشترک عام مبتنی است. فوکویاما اعتماد را پایه‌ی اصلی نظم اجتماعی می‌داند و معتقد است: «اجتماعات براساس اعتماد دو طرفه بنا شده‌اند و بدون آن به صورتی خلق‌الساعه به وجود نمی‌آیند.» (Fukuyama,1995:25-26). گیدنز هم اعتماد را در شرایط مدرنیته[1]، با مخاطره[2] مرتبط می‌داند و معتقد است: اعتماد هنگامی ضروری می‌شود که در نتیجه‌ی فاصله‌گیری روزافزون زمانی و مکانی، اطلاع کاملی از پدیده‌های اجتماعی نداشته باشیم. گیدنز معتقد است که چهار زمینه‌ی محلی اعتماد، یعنی خویشاوندی[3]، اجتماع محلی[4]، سنت[5] و کیهان‌شناسی[6] مذهبی بر فرهنگ‌های پیش از مدرن تسلط دارند؛ حال آنکه در دوران مدرن اعتماد به نظام‌های انتزاعی[7]، نهادها و نظام‌های کارشناسی

1. Modernity
2. Risk
3. Kinship
4. Community
5. Tradition
6. Religious Cosmology
7. Abstract systems

[Downloaded from rdch.ir on 2026-09-13]

جـای ایـن نـوع اعتمـاد را گرفتـه اسـت. گیدنـز بـا طـرح اعتمـاد بـه نظام‌هـای انتزاعـی، ضـرورت اعتمـاد افـراد بـه اصـول غیـر شـخصی را یـادآور شـده اسـت (گیدنـز، ۱۳۸۰: ۱۲۰). زتومـکا بـا توجـه بـه جهانـی شـدن و جریـان پویـای وابسـتگی متقابـل جهانـی، دو مقولـه‌ی اعتمـاد و همـکاری را بـه عنـوان یکـی از پیش‌فرض‌هـای اساسـی در رویارویـی بـا تحـولات جهانـی ذکـر کـرده و نیـز بـا پرداختـن بیشـتر بـه مسـأله‌ی اعتمـاد، مخاطـره را نیـز در پـی آن ذکـر نمـوده اسـت. بـه نظـر زتومـکا، اعتمـاد در متـن کنش‌هـای انسـان ـ کـه مهم‌تریـن ویژگـی آنهـا جهت‌گیـری معطـوف بـه آینـده اسـت ـ نمـود پیـدا می‌کنـد؛ هـر چـه میـزان کنتـرل مـا بـر کنش‌هـای آینـده کمتـر باشـد، نیـاز مـا بـه اعتمـاد بیشـتر می‌شـود. اعتمادکـردن، یعنـی شرط‌بسـتن بـر آینـده‌ی نامعیـن و کنش‌هـای کنترل‌ناپذیـر دیگـران کـه همیشـه همـراه بـا مخاطـره اسـت. زتومـکا سـطوح اعتمـاد را بـه صـورت لایه‌هایـی در نظـر می‌گیـرد کـه از عینی‌تریـن روابـط میـان اعضـای خانـواده شـروع شـده و تـا انتزاعی‌تریـن روابـط ماننـد اعتمـاد بـه نظـم اجتماعـی، کارایـی نظـام و ... ادامـه دارد (زتومـکا، ۱۳۸٦: ۷۹-۷۳). بـر طبـق نظـر کلمـن، وضعیـت مشـترک سـبب می‌شـود نظـام اعتمـاد متقابـل بـه وجـود آیـد. ایـن وضعیـت زمانـی ایجـاد می‌شـود کـه نمـادی از کنشـگران بـه فعالیتـی اشـتغال داشـته باشـند کـه درنتیجـه‌ی آن همگـی نفع مشـابهی کسـب می‌کننـد (کلمـن، ۱۳۸٦: ۲۸۸). لومـان کارکـرد اعتمـاد اجتمـاع را درون سیسـتم اجتماعـی بررسـی می‌کنـد. از نظـر لومـان، کارکـرد اعتمـاد در نظـام اجتماعـی ایـن اسـت کـه فقـدان تعیـن اجتماعـی را کاهـش می‌دهـد و بدیـن ترتیـب باعـث افزایـش قابلیـت پیش‌بینـی رفتارهـا می‌شـود. درواقـع، اعتمـاد نوعـی مکانیسـم اجتماعـی اسـت کـه در آن انتظـارات، اعمـال و رفتارهـا تنظیـم و هدایـت می‌شـود (Luhman, 1979: 112).

ـ مشارکت اجتماعی

از دیربـاز تاکنـون، مشـارکت مـردم در جامعـه و علـل و عوامـل مؤثـر بـر آن، همچنیـن اثـرات و نتایـج مشـارکت در امـور جامعـه دغدغـه‌ی فکـری صاحبـان اندیشـه و متفکـران اجتماعـی بـوده اسـت؛ چنـان کـه بسـیاری از آنـان بـه تألیـف نظـرات خـود در ایـن مـورد پرداخته‌انـد. در اینجـا بـه ذکـر مختصـری از آنـان پرداختـه می‌شـود. بـه نظـر ارسـطو و فلاسـفه‌ی اجتماعـی باسـتان، مشـارکت منبعـی از انـرژی خـلاق و حیاتـی و ابـزاری بـرای مبـارزه بـا حکومـت سـتمگرانه اسـت و آنهـا از آن بـه عنـوان وجـه قانونـی خـرد جمعـی تجلیـل و سـتایش کرده‌انـد (طوسـی، ۱۳۷۰: ۱۰۸). از دیـد گائوتـری، مشـارکت مسـتلزم تغییـر در حالـت ذهنـی و روانـی در همـه‌ی سـطوح اسـت. بـرای ایـن کار بایـد ارزش‌هـا و ایده‌هـای مربـوط بـه مشـارکت را بـه طـور عمیـق درونـی و نهـادی کـرد (نیـازی و غفـاری، ۱۳۸٦: ۸۹). سـالیما عمـر، بـر دموکراسـی مشـارکتی بـه عنـوان تنهـا راه‌حـل رسـیدن بـه توسـعه در تمـام ابعـاد آن تأکیـد می‌کنـد و بـرای رسـیدن بـه آن، تأمیـن نهادهـای نامتمرکـز در بخش‌هـا، مناطـق و زمینه‌هـای اجتماعـی را ضـروری می‌دانـد (توسـلی، ۱۳۸۲: ۹۹). آنچـه در کارهـای آیـزن و فیشـبین بسـیار نمایـان اسـت، تأثیـر مسـتقیم قصـد و نیـت افـراد بـر رفتـار مشـارکتی اسـت. براسـاس چنیـن دیدگاهـی بـرای تبیـن رفتـار بایـد بـه

[Downloaded from rdch.ir on 2026-09-13]

آمادگی بروز رفتار توجه کرد؛ از این رو حلقه‌ی ماقبل تجلی رفتار، قصد و نیت رفتار است. تفسیر آیزن و فیشبین بر این استوار است که قصد و نیت نیز تابع دو متغیر فردی و فشار اجتماعی است و بعد فردی، برانگیزنده‌ی رفتار و روحیه‌ی مشارکتی متأثر از انتظار فایده و ارزیابی آن است (بلوردی، ۱۳۹۱: ٦١). کلندرمن نیز در خصوص مشارکت، مدل ارزش انتظار را مطرح می‌کند که در بردارنده‌ی دو مؤلفه‌ی بسیج آگاهی و بسیج کنش است. بسیج آگاهی جریانی است که به واسطه‌ی آن یک گروه یا اتحادیه، اعضایش را نسبت به اهداف معطوف به کنش و کوشش‌های حمایتی که برای نیل به این اهداف صورت می‌گیرد، آگاه می‌سازد. به نظر او این جریان برای تحقق کنش کافی نیست؛ زیرا اعضا فقط به اهداف فکر نمی‌کنند بلکه هزینه و فواید تحقق اهداف را نیز لحاظ می‌کنند. در نتیجه، نیاز به بسیج برای کنش مطرح می‌شود که اتحادیه یا گروه تلاش می‌کند اعضایش را نسبت به فواید و هزینه‌های مشارکت متقاعد نماید (غفاری و نیازی، ۱۳۸۸: ۸۲). رابرت پاتنام به عنوان یک نظریه‌پرداز کلان‌نگر، اعتماد را به عنوان یک ویژگی جمعی مفهوم‌سازی می‌کند. او اعتماد را بعدی از سرمایه‌ی اجتماعی می‌داند که بر سه نوع تقسیم می‌شود: اعتماد غیر رسمی یا بین‌شخصی که همان اعتماد مستقیم و چهره به چهره است که میان اعضای جامعه وجود دارد؛ اعتماد تعمیم‌یافته که در سطحی گسترده از خانواده، دوستان و آشنایان قرار می‌گیرد؛ و اعتماد رسمی یا نهادی که همان اعتماد به نظام یا سیستم است و متوجه ساختارهای غیر شخصی می‌باشد (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۱). پاتنام معتقد است آنچه باعث افزایش میزان مشارکت می‌شود، اعتمادی است که در قالب همکاری‌های اجتماعی و تعاونی ایجاد می‌شود. هر چه سطح اعتماد در جامعه بالاتر باشد، احتمال همکاری بیشتر است. خود همکاری نیز اعتماد ایجاد می‌کند، اعتماد نیز از عناصر تقویت همکاری است (همان، ۲۹۲). به باور پاتنام شبکه‌های مشارکت مدنی، گسترش شبکه‌های اجتماعی را از ساز و کارهای تبدیل اعتماد شخصی به اعتماد اجتماعی یا تعمیم یافته معرفی می‌کند (پاتنام، ۱۳۸٤: ۳۰۳-۳۰۰). از نظر پاتنام، روابط اعتماد مداوم می‌تواند انگیزه‌هایی برای قابل اعتماد بودن ایجاد کند؛ بنابراین، می‌توان بیان کرد که مشارکت اجتماعی جریانی سازمان‌یافته است که در آن تبادلات بین افراد بر اساس میزان اعتمادی که به یکدیگر دارند و از روی آگاهی شکل می‌گیرد.

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه کلی این تحقیق مدعی وجود رابطه بین اعتماد اجتماعی دانشجویان و مشارکت اجتماعی آنها است.

ـ بین میزان اعتماد اجتماعی دانشجویان و مشارکت اجتماعی آنها رابطه وجود دارد.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-09-13]

در راستای فرضیه‌ی اصلی تحقیق، می‌توان فرضیات فرعی زیر را ارائه کرد:
ـ بین میزان اعتماد بین شخصی و مشارکت اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد.
ـ بین میزان اعتماد به اساتید و مشارکت اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد.
ـ بین میزان اعتماد به مسئولین و مشارکت اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر، پیمایشی است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده و جامعه‌ی آماری مورد مطالعه، کلیه‌ی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه هرمزگان است که در نیمسال دوم تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ مشغول به تحصیل بودند و تعداد آنها ۷۵۳۷ نفر می‌باشد. با توجه به نسبت دانشجویان و حجم نمونه‌ی آن با استفاده از فرمول کوکران ۲۵۰ نفر تعیین شد. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم نمونه بود. برای این کار، در مرحله‌ی اول دانشجویان را برحسب وضعیت تحصیلی کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا تقسیم کرده سپس با استفاده از روش طبقه‌ای متناسب، حجم برآورده شده به هر یک از دانشکده‌های علوم انسانی، فنی و مهندسی، علوم پایه، منابع طبیعی و کشاورزی و علوم و فنون تخصیص داده شده است. در نهایت این سهم به صورت متناسب بر مبنای جنسیت دانشجویان در دانشگاه توزیع شد.

اعتبار[1] و پایایی[2]

برای تعیین اعتبار ابزار از روش اعتبار صوری، یعنی میزان توافق متخصصان امر درباره‌ی یک شاخص یا معیار استفاده شده است. علاوه بر رجوع به پژوهش‌های قبلی، پرسشنامه به چند نفر از اساتید و پژوهشگران صاحب نظر ارائه و نظرات آنها در پرسشنامه اعمال شد. در ادامه، گویه‌ها و سؤالات نهایی مجدداً آزموده و گویه‌های نامناسب حذف شد. برای دستیابی به پایایی با پیش‌آزمون نمونه‌ای ۵۰ نفر و با استفاده از آمار آلفای کرانباخ، سازگاری درونی پرسشنامه بررسی شد که در جدول ذیل نتایج آن قابل مشاهده است. این نتایج گویای آن است که شاخص‌ها روایی لازم برای سنجش متغیرهای موردنظر را دارند.

جدول شماره۱: نتایج آزمون آلفای کرانباخ برای پایایی شاخص‌های تحقیق

نوع متغیر	نام متغیر	تعداد گویه ها	ضریب آلفا
مستقل	اعتماد بین‌شخصی	۲۰	۰/۷۶
	اعتماد به اساتید	۱۸	۰/۷۴
	اعتماد به مسئولین	۱۳	۰/۸۴
	اعتماد اجتماعی کل	۵۱	۰/۸۳

1. Validity 2. Relibelity

[Downloaded from rdch.ir on 2026-09-13]

وابسته	روحیه مشارکتی (ذهنی)	۸	۰/۷٤
	مشارکت عملی (عینی)	١٤	۰/۸۳
	مشارکت اجتماعی کل	۲۳	۰/۸٤

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

ـ مشارکت اجتماعی

مشارکت به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن، یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است. به همین سبب از دیدگاه جامعه‌شناسی، باید بین مشارکت به عنوان حالت یا وضع (امر شرکت‌نمودن) و مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) تمیز قائل شد. مشارکت در معنای اول از تعلق به گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد و در معنای دوم شرکت فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت‌های اجتماعی که انجام شده است، نظر دارد (توسلی، ۱۳۸۲: ٦٦ و ٦٧). در این تحقیق مشارکت در دو سطح مطرح شده است: روحیه‌ی مشارکتی و رفتار مشارکتی.

روحیه‌ی مشارکتی[1]، درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را بر می‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند. رفتار مشارکتی[2]، به صورت عضویت در گروه‌ها و انجام فعالیت‌های مشارکت‌جویانه بروز می‌کند. برای اندازه‌گیری بعد روحیه‌ی مشارکتی از شاخص‌هایی که به اهمیت مشارکت در فعالیت‌های فوق برنامه دانشجویی، ضرورت وجود تشکل‌های دانشجویی و عضویت در آن، علاقه به حرکت‌های خودجوش دانشجویی، میزان تمایل به کارهای جمعی، میزان تمایل به درخواست کمک از دانشجویان در مسائل درسی و میزان موافقت یا عدم موافقت درباره‌ی اختلال‌زا بودن مشارکت دانشجویی در اداره‌ی دانشگاه‌ها و مانند آن استفاده شده است. در بعد رفتاری مشارکت با شاخص‌هایی از قبیل شرکت در بحث‌های سیاسی، نوشتن مقاله برای نشریات، شرکت در سمینارها و گردهمایی‌های علمی، شرکت در تریبون آزاد دانشجویی، ارائه‌ی کنفرانس در کلاس، سؤال از اساتید، شرکت در نمازهای جماعت مسجد دانشگاه، انتقاد از اساتید، شرکت در بسیج دانشجویی، انجمن علمی، کانون‌های فرهنگی و اجتماعی، شرکت در اعتراضات دانشجویی، تماشای مسابقات ورزشی دانشگاه و شرکت در تیم‌های ورزشی در قالب انواع مقیاس لیکرت؛ خیلی کم، کم، تا حدودی، زیاد و خیلی زیاد اندازه‌گیری شده است و نمره‌ی کل مشارکت اجتماعی، مجموع بعد روحی و رفتاری مشارکت خواهد بود.

1. Spirit of partnership
2. Cooperative behavior

[Downloaded from rdch.ir on 2026-09-13]

ـ اعتماد اجتماعی

اعتماد عبارت است از تمایل فرد به قبول ریسک در یک موقعیت اجتماعی که این تمایل بر حس اطمینان بر این نکته مبتنی است که دیگران به گونه‌ای که انتظار می‌رود عمل کرده‌اند و شیوه‌ی حمایت کننده‌ای در پیش خواهند گرفت (پناهی و دهقانی، ۱۳۹۱: ۱۰). در واقع، اعتماد اجتماعی بر انتظارها و تعهدهای اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی دلالت دارند که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی‌شان احساس می‌کنند و با رابطه‌ی تعمیم‌یافته قرین است. با توجه به ادبیات پژوهش و تعریف مفهومی صورت گرفته از اعتماد اجتماعی، در پژوهش حاضر اعتماد اجتماعی با سه سطح مطرح شده است: اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد نهادی.

اعتماد بین شخصی حاصل روابط مستقیم و چهره به چهره میان اعضای جامعه است و هم زیستی مستقیم بین تعامل‌کنندگان از ویژگی‌های آن می‌باشد. برای اندازه‌گیری اعتماد بین‌شخصی از شاخص‌هایی که دیدگاه دانشجویان نسبت به دوستان را نشان می‌دهد، در قالب شاخص‌هایی چون صداقت، صراحت، سهیم کردن و قابلیت اعتماد استفاده و سنجیده شده است. اعتماد تعمیم یافته را می‌توان چنین تعریف کرد: داشتن حسن ظن نسبت به افراد جامعه جدای از تعلق آنها به گروه‌های قومی و قبیله‌ای؛ بنابراین باید گفت در اعتماد تعمیم یافته تعامل و ارتباط از سطح درون گروهی به بین گروهی ارتقا می‌یابد. برای بررسی و سنجش این بعد از اعتماد، اعتماد به کنشگران آموزشی (اعتماد به اساتید دانشگاه) مدنظر قرار گرفته است. همچنین در سنجش بعد تعمیم یافته از دیدگاه دانشجویان نسبت به اساتید با شاخص‌هایی همچون تمایلات همکاری جویانه، صداقت، صراحت، احساس مسئولیت، پاسخگویی و دموکراتیک بودن استفاده شده است. اعتماد نهادی بازگو کننده‌ی خوش‌بینی و اطمینان افراد نسبت به عملکرد نهادها و گروه‌های اجتماعی است. در بعد نهادی دیدگاه دانشجویان به مسئولین دانشگاه در قالب شاخص‌هایی چون مسئولیت پذیر بودن، ظرفیت پیشنهاد و انتقادات، قابل اعتماد بودن، احساس امنیت و پاسخگویی در انواع مقیاس لیکرت؛ خیلی کم، کم، تا حدودی، زیاد و خیلی زیاد اندازه‌گیری شده است و نمره‌ی کل اعتماد اجتماعی، مجموع بعد شخصی، تعمیم یافته و نهادی اعتماد خواهد بود.

یافته‌های تحقیق

براساس یافته‌های تحقیق، ۵۳/٦ درصد از پاسخگویان دختر و ٤٦/٤ را پسر تشکیل می‌دهند. دامنه‌ی سنی پاسخگویان بین ۱۸ تا ٤۵ سال با میانگین سنی ۲۲ سال است که بیشترین تعداد پاسخگویان در محدوده‌ی سنی ۱۸ الی ۲۷ ساله با فراوانی ۲۳۲ نفر جای دارند. به لحاظ وضعیت تأهل ۲۱۵ نفر از پاسخگویان معادل ۸٦ درصد مجرد، ۳۵ نفر برابر با ۱٤ درصد متأهل هستند. مقطع تحصیلی ۱۹۱ نفر

[Downloaded from rdch.ir on 2026-09-13]

از پاسـخگویان کارشناسـی، ٤٤ نفـر کارشناسـی ارشـد و ١٥ نفـر دکتراسـت. ایـن تعـداد بـه ترتیـب ٧٦/٤، ١٧/٦ و٦ درصـد کل پاسـخگویان را تشـکیل می‌دهنـد. همچنیـن ٩٢ نفـر از پاسـخگویان (٣٦/٨ درصـد) در رشـته‌های مختلـف علـوم انسـانی، ٥٠ نفـر (٢٠ درصـد) دانشـجوی رشـته‌های علـوم پایـه، ٦٠ نفـر(٢٤ درصـد) در رشـته‌های فنـی و مهندسـی، ٣٠ نفـر (١٢ درصـد) در رشـته‌های کشـاورزی و منابـع طبیعـی و ١٨ نفـر (٧/٢ درصـد) در رشـته‌های علـوم و فنـون تحصیـل می‌کننـد.

جدول شماره٢: توزیع فراوانی پاسخگویان در متغیرهای زمینه‌ای

متغیرها		فراوانی	درصد
جنس	پسر	١١٦	٤٦/٤
	دختر	١٣٤	٥٣/٦
	کل	٢٥٠	١٠٠
وضعیت تأهل	مجرد	٢١٥	٨٦/٠
	متأهل	٣٥	١٤/٠
	کل	٢٥٠	١٠٠
مقطع تحصیلی	کارشناسی	١٩١	٧٦/٤
	کارشناسی ارشد	٤٤	١٧/٦
	دکترا	١٥	٦
	کل	٢٥٠	١٠٠
دانشکده	علوم انسانی	٩٢	٣٦/٨
	علوم پایه	٥٠	٢٠
	فنی مهندسی	٦٠	٢٤
	کشاورزی و منابع طبیعی	٣٠	١٢
	علوم و فنون	١٨	٧,٢
	کل	٢٥٠	١٠٠

[Downloaded from rdch.ir on 2026-09-13]

گروه‌های سنی	گروه سنی ۲۶- ۱۸	۲۲۶	۹۴/۴
	گروه سنی ۳۶- ۲۷	۲۲	۸/۴
	گروه سنی ۴۶- ۳۷	۲	۰/۸
	کل	۲۵۰	۱۰۰

همان‌گونه که در جدول شماره ۳ نشان داده شده است؛ در بررسی توصیفی متغیرهای اصلی تحقیق، آمارهای متغیر مشارکت اجتماعی با میانگین ۲/۹۸ به گونه‌ای است که ۲۴/۴ درصد از پاسخگویان در طبقه‌ی بالا جای دارند، ۷۵/۶ درصد از جمعیت نمونه مشارکت اجتماعی‌شان در حد متوسط است. روحیه‌ی مشارکت جویی ۶۹/۶ درصد از پاسخگویان بالا، ۳۰/۴ درصد به میزانی متوسط روحیه‌ی مشارکت جویی دارند در صورتی که هیچ موردی از مشارکت پایین مشاهده نشد. ۸ درصد از پاسخگویان مشارکت پایین، ۷۶/۸ مشارکت متوسط و ۱۵/۲ درصد مشارکت بالایی در فعالیت‌های اجتماعی از خود نشان داده‌اند. جایگاه پاسخگویان با میانگین ۳/۰۲ درصد در متغیر میزان اعتماد اجتماعی، به ترتیبی است که ۲۰ درصد از آنها اعتماد اجتماعی بالا و ۸۰ درصد اعتماد اجتماعی متوسطی دارند. مطابق داده‌ها در متغیر اعتماد بین فردی، ۲۶/۸ درصد از پاسخگویان اعتماد بین‌شخصی پایینی دارند و ۲ درصد اعتماد بین شخصی بالایی دارند، در حالی که اکثر دانشجویان (۱۷۸ نفر) معادل ۷۱/۲ درصد در سطح متوسط و بینابینی از اعتماد بین‌شخصی هستند. میزان اعتماد تعمیم یافته ۱/۲ درصد از پاسخگویان پایین است. اعتماد تعمیم یافته (۱۹۶ نفر) ۷۸/۴ درصد پاسخگویان به میزانی متوسط و ۲۰/۴ درصد (۵۱ نفر) از افراد در حد بالایی است. اعتماد به مسئولین ۱۵/۶ درصد از دانشجویان پایین است که این میزان برای ۷۷/۲ درصد از پاسخگویان در حد متوسط و برای ۷/۲ درصد از آنها در حد بالایی است.

جدول شماره۳: آماره‌های توصیفی پاسخگویان در متغیرهای اصلی پژوهش

متغیرها		توزیع فراوانی		شاخص‌های توصیفی	
		فراوانی	درصد	میانگین	انحراف معیار
شاخص‌های توصیفی	کم	۰	۰	۳/۶۲	۰/۶۱
	متوسط	۷۶	۳۰/۴		
	بالا	۱۷۴	۶۹/۶		
	کل	۲۵۰	۱۰۰		

[Downloaded from rdch.ir on 2026-09-13]

رفتار مشارکتی	کم	۲۰	۸	۲/۶۳	۰/۶۶
	متوسط	۱۹۲	۸۶/۸		
	بالا	۳۸	۱۵/۲		
	کل	۲۵۰	۱۰۰		
مشارکت اجتماعی	کم	۰	۰	۲/۹۸	۰/۵۴
	متوسط	۱۸۹	۷۵/۶		
	بالا	۶۱	۲۴/۴		
	کل	۲۵۰	۱۰۰		
اعتماد اجتماعی	کم	۰	۰	۳/۰۲	۰/۳۵
	متوسط	۲۰۰	۸۰		
	بالا	۵۰	۲۰		
	کل	۲۵۰	۱۰۰		
اعتماد بین شخصی	کم	۶۷	۲۶/۸	۳/۵۶	۰/۴۱
	متوسط	۱۷۸	۷۱/۲		
	بالا	۵	۲/۰		
	کل	۲۵۰	۱۰۰		
اعتماد نهادی	کم	۳۹	۱۵/۶	۲/۳۹	۰/۶۷
	متوسط	۱۹۳	۷۷/۲		
	بالا	۱۸	۷/۲		
	کل	۲۵۰	۱۰۰		
اعتماد تعمیم‌یافته	کم	۳	۱/۲	۲/۸۹	۰/۴۸
	متوسط	۱۹۶	۷۸/۴		
	بالا	۵۱	۲۰/۴		
	کل	۲۵۰	۱۰۰		

1. Bivariate analysis

[Downloaded from rdch.ir on 2026-09-13]

تحلیل دومتغیره[1]

جدول شماره٤: نتایج آزمون همبستگی پیرسون مشارکت اجتماعی بر حسب ابعاد اعتماد

متغیر	آزمون پیرسون	اعتماد بین‌شخصی	اعتماد تعمیم‌یافته	اعتماد نهادی	اعتماد اجتماعی
روحیه مشارکتی	ضریب همبستگی	۰/٦٥	۰/۰٤	۰/۱۰	۰/۳٦
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/٤۳٦	۰/۰۹۷	۰/۰۰۰
رفتار مشارکتی	ضریب همبستگی	۰/۱۰	۰/۳٦	۰/٤۷	۰/٤٥
	سطح معناداری	۰/۰۹۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
مشارکت اجتماعی	ضریب همبستگی	۰/۳٤	۰/۳۱	۰/٤۱	۰/٥۰
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

جدول شماره‌ی (٤) آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای اعتماد و مشارکت اجتماعی را نشان می‌دهد. نتایج حاکی از آن است که میان اعتماد و مشارکت اجتماعی با ضریب همبستگی ۰/٥۰ درصد رابطه‌ی مثبت و معناداری هست. از طرفی همبستگی‌های به دست آمده بین چهار متغیر اعتماد بین‌شخصی، تعمیم یافته و نهادی با مشارکت اجتماعی در سطح ۰/۰۱ معنادار است (sig=< 0/01)؛ به عبارت دیگر، بین این چهار متغیر با یکدیگر رابطه‌ی خطی و معناداری هست. بالاترین میزان همبستگی بین اعتماد نهادی با مشارکت اجتماعی با ضریب ۰/٤۱ به دست آمده که همبستگی مثبت و متوسطی است. همبستگی اعتماد بین‌شخصی و تعمیم‌یافته با مشارکت اجتماعی به ترتیب برابر ۰/۳٤ و ۰/۳۱ درصد به دست آمده است؛ همان‌طور که ملاحظه می‌شود این روابط نسبت به رابطه‌ی اعتماد نهادی کمتر می‌باشد. بدین ترتیب فرضیه‌های تحقیق تأیید می‌شود. همچنین در بررسی ابعاد مشارکت اجتماعی، میزان روحیه‌ی مشارکتی پاسخگویان با اعتماد اجتماعی (۰/۳٦) و اعتماد بین‌شخصی (۰/٦٥) می‌باشد که رابطه‌ی مثبت و معناداری نشان می‌دهد، اما با اعتماد تعمیم‌یافته (۰/۰٤) و نهادی (۰/۱۰) رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. بالعکس رفتار مشارکتی با اعتماد اجتماعی، تعمیم‌یافته و نهادی رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد که این ضرایب برابر است با ۰/٤٥، ۰/۳٦ و ۰/٤۷ درصد؛ در حالی که با اعتماد بین‌شخصی چنین رابطه‌ای وجود ندارد.

تحلیل چند متغیره[1]

در پژوهش حاضر از آماره رگرسیون چند متغیره به شیوه گام به گام[2] استفاده شده است. در این روش ابتدا متغیری وارد معادله می‌شود که بیشترین میزان R^2

1. Multivariate analysis
2. Stepwise

[Downloaded from rdch.ir on 2026-09-13]

را داشته باشد، با ورود هر متغیر جدید تمامی متغیرهای موجود در معادله مجدداً ارزیابی می‌شوند و هرکدام از آنها که شرط خروج را داشته باشد از معادله خارج می‌شود. تحلیل رگرسیون چند متغیره‌ی مشارکت اجتماعی ـ که از ترکیب روحیه‌ی مشارکتی و رفتار مشارکتی تشکیل شده است ـ مشتمل بر متغیرهای اعتماد اجتماعی است که در پژوهش حاضر سنجیده و در جدول شماره (۵) ترسیم شده است.

جدول شماره ۵ : خلاصه مدل رگرسیونی چند متغیره برای تبیین مشارکت اجتماعی

متغیرها	ضریب همبستگی R	ضریب تبین R^2	ضریب تبین تعدیل‌شده	آنووا F	سطح معناداری
اعتماد نهادی	۰/٤۱	۰/۱۷	۰/۱۷	۵۲/۱٦	۰/۰۰۰
اعتماد بین‌شخصی	۰/۵۲	۰/۲۷	۰/۲٦	٤۵/۸٦	۰/۰۰۰

یافته‌های این جدول نشان می‌دهد، متغیرهای مستقلی که در معادله رگرسیونی باقی مانده‌اند در مجموع به میزان ۰/۲٦ درصد با مشارکت اجتماعی رابطه دارند و این متغیرها به طور همزمان ۰/۲۷ درصد از واریانس مشارکت اجتماعی را تبیین می‌کنند.

گام نخست (مدل شماره۱) از تحلیل رگرسیونی فوق، بیانگر آن است که متغیر اعتماد نهادی مؤثرترین متغیر برای مشارکت اجتماعی بوده؛ بدین‌صورت که میزان ضریب همبستگی این متغیر با مشارکت اجتماعی ۰/٤۱ است و به تنهایی ۰/۱۷ درصد از تغیرپذیری متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی) را تبیین می‌کند. در گام بعدی (مدل شماره ۲) متغیر اعتماد بین شخصی، وارد معادله رگرسیونی شده است که با ورود این متغیر ضریب همبستگی تعدیل شده با افزایشی معادل ۰/۹ واحد، از ۰/۱۷ به ۰/۲٦ رسیده است. ضریب تبین نشان می‌دهد که ۰/۲۷ درصد از واریانس مشارکت اجتماعی توسط اعتماد نهادی و اعتماد بین‌شخصی مشخص می‌شود.

جدول شماره ٦: ضرایب تأثیر مدل نهایی تبین کننده مشارکت اجتماعی

مرحله	اعتماد اجتماعی	ضریب غیر استاندارد B	خطای استاندارد	ضریب استاندارد Beta	مقدار T	سطح معنی‌داری
	مقدار ثابت	۰/۷۵	۰/۲۷	–	۲/۷۹	۰/۰۰٦
۱	اعتماد نهادی	۰/۳۱	۰/۰٤	۰/۳۹	۷/۱۹	۰/۰۰۰
۲	اعتماد بین‌شخصی	۰/٤۱	۰/۰۷	۰/۳۱	۵/۷۳	۰/۰۰۰

[Downloaded from rdch.ir on 2026-09-13]

یافته‌های جدول شماره (٦) فهم دقیق‌تری را از شدت و جهت تأثیرات متغیرهای مستقل بر مشارکت اجتماعی فراهم می‌آورد. یافته‌های این جدول بیانگر آن است که از میان سه متغیر موجود در معادله‌ی رگرسیونی، متغیر اعتماد نهادی به بهترین وجه تغییرات متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی) را تبیین می‌کند؛ بدین صورت که ضریب تأثیر استاندارد (Beta) این متغیر ۰/۳۹ درصد است که ضمن تأثیرگذاری متوسط و مثبت بر مشارکت اجتماعی، آشکار می‌سازد که هر چه میزان سطح اعتماد نهادی بیشتر باشد به همان نسبت میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان نیز افزایش خواهد یافت. در مرتبه‌ی دوم تأثیرگذاری، باید از متغیر اعتماد بین‌شخصی نام برد که از ضریب تأثیر استانداردی معادل ۰/۳۱ درصد برخوردار است. این ضریب از آن حکایت دارد که هر چه میزان اعتماد بین‌شخصی افزایش یابد به همان میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان افزایش خواهد یافت و برعکس، هر چه میزان سطح اعتماد بین‌شخصی کاهش یابد به همان میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان کاهش می‌یابد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف بررسی نقش و تأثیر اعتماد اجتماعی به عنوان مهم‌ترین عامل مرتبط با مشارکت اجتماعی در میان یکی از مهم‌ترین قشرهای جامعه‌ی ایران، یعنی دانشجویان انجام شد. دانشجویانی که به عنوان بخش تأثیرگذار از جمعیت ایران، نیروی اصلی توسعه و پیشرفت جامعه به شمار می‌آیند و قرار است در آینده‌ای نزدیک، سکان هدایت بسیاری از امور شهر و روستا را بر عهده بگیرند. مشارکت از حیث مفهومی به معنای شراکت و همکاری در کاری، امری یا فعالیتی و حضور در جمع، گروه و سازمان برای بحث و تصمیم‌گیری چه به صورت فعال و چه به صورت غیرفعال می‌باشد. بر همین اساس، در این مطالعه مشارکت اجتماعی در قالب دو مؤلفه‌ی روحیه‌ای بررسی شد که همان تمایل به فعالیت‌های اجتماعی است و رفتار مشارکتی که به صورت عضویت در گروه‌ها و فعالیت‌های مشارکت‌جویانه بروز می‌کند. میزان روحیه‌ی مشارکتی دانشجویان در حد متوسط است. نتایج حاصل از مقایسه‌ی ابعاد مشارکت اجتماعی، نشان می‌دهد که روحیه‌ی مشارکتی دانشجویان دانشگاه قابل توجه و در مقابل سهم رفتار مشارکتی بسیار ناچیز است. براساس یافته‌ها، میانگین روحیه‌ی مشارکت جامعه‌ی مورد بررسی بیشتر از رفتار مشارکتی آنهاست. از آنجا که جمعیت این تحقیق دانشجویان هستند، می‌توان گفت دانشجویان که جوانان فرهیخته‌اند و کنش‌های آنان متأثر از محیط دانشگاه و سطح سوادشان است، در سطح ذهنی بیشتر مشارکت‌جو هستند و مشارکت پایین آنان در سطح رفتاری ناشی از موانع ساختاری، در نظام سیاسی و فرهنگی ایران قابل ردیابی است. در مجموع مشارکت اجتماعی دانشجویان در حد متوسط می‌باشد. اعتماد از آن جهت مهم است که این متغیر با بسیاری از متغیرهای موجود در

[Downloaded from rdch.ir on 2026-09-13]

یـک جامعـه‌ی مدنـی دموکراتیـک، از جملـه مشـارکت همبسـتگی دارد. اعتمـاد، پیـش شـرط مشـارکت و همـکاری اسـت. بقـاء و پایـداری همـکاری در گـرو وجـود اعتمـاد اجتماعـی اسـت. اعتمـاد اجتماعـی می‌توانـد نتیجـه‌ی تعامـلات اجتماعـی موجـود در گروه‌هـا، انجمن‌هـا و فعالیت‌هـای اجتماعـی باشـد. بـا بررسـی تطبیقـی ابعـاد سـه‌گانه‌ی اعتمـاد (اعتمـاد نهـادی، بین‌شـخصی و تعمیم‌یافتـه) دیـده می‌شـود کـه میـزان اعتمـاد بـه مسـئولین دانشـگاه بـا میانگیـن ۲/۳۹ در سـطح بسـیار پایین‌تـری قـرار دارد. در مرتبـه‌ی بعـدی اعتمـاد تعمیـم یافتـه و اعتمـاد بین‌شـخصی بـا میانگیـن ۲/۸۹ و ۳/۵۶ قـرار دارد؛ بـه عبـارت دیگـر، دانشـجویان نسـبت بـه دوسـتان نزدیـک خـود اعتمـاد بیشـتری دارنـد تـا بـه اسـاتید و مسـئولین دانشـگاه. بـه طـور کلـی میـزان اعتمـاد اجتماعـی دانشـجویان در سـطح متوسـطی قـرار دارد.

یافته‌هـا نشـان می‌دهـد کـه بیـن میـزان مشـارکت اجتماعـی بـا متغیرهـای جنسـیت، سـن، وضعیـت تأهـل، وضعیـت تحصیلـی و نـوع دانشـکده تفـاوت معنـاداری وجـود نـدارد. ایـن نتایـج بـا نتایـج تحقیـق انعـام (۱۳۸۰)، قریشـی و صداقـت (۱۳۸۸) همخوانـی نـدارد؛ زیـرا آنـان بیـن برخـی از متغیرهـای زمینـه‌ای ماننـد جنـس، سـن، وضعیـت تأهـل و ... بـا مشـارکت اجتماعـی رابطـه معنـاداری یافته‌انـد. در تبییـن ایـن مطلـب می‌تـوان گفـت کـه در ایـن تحقیـق چـون جامعـه‌ی آمـاری دانشـجویان بودنـد و از نظـر برخـی از مؤلفه‌هـا ماننـد سـن، تحصیـلات و وضعیـت تأهـل همگـن هسـتند، بـه همیـن علـت در مؤلفـه‌ی اعتمـاد اجتماعـی و مشـارکت بـا توجـه بـه متغیرهـای زمینـه‌ای تفـاوت معنـاداری دیـده نمی‌شـود. یافته‌هـای همبسـتگی آزمـون پیرسـون نشـان داده اسـت، بیـن اعتمـاد بین‌شـخصی و میـزان مشـارکت اجتماعـی رابطـه‌ی معنـاداری هسـت. ایـن ارتبـاط مسـتقیم و مثبـت (۰/۳٤) اسـت؛ بدیـن معنـی کـه هـر چـه میـزان اعتمـاد بین‌شـخصی افـراد بالاتـر مـی‌رود، میـزان مشـارکت رسـمی آنهـا نیـز افزایـش می‌یابـد. بنابرایـن، فرضیـه‌ی تحقیـق شـماره‌ی یـک مبنـی بـر اینکـه اعتمـاد بین‌شـخصی بـا مشـارکت اجتماعـی رابطـه دارد تأییـد می‌شـود. بیـن اعتمـاد تعمیم‌یافتـه و میـزان مشـارکت اجتماعـی رابطـه معنـاداری هسـت. ایـن ارتبـاط مسـتقیم و مثبـت (۰/۳۱) اسـت؛ بدیـن معنـی کـه هـر چـه میـزان اعتمـاد تعمیم‌یافتـه افـراد بالاتـر مـی‌رود، میـزان مشـارکت آنهـا نیـز افزایـش می‌یابـد. بنابرایـن، فرضیـه‌ی دوم تحقیـق مبنـی بـر اینکـه بیـن اعتمـاد تعمیم‌یافتـه بـا مشـارکت اجتماعـی رابطـه وجـود دارد تأییـد می‌شـود. بیـن اعتمـاد نهـادی و میـزان مشـارکت اجتماعـی رابطـه‌ی معنـی‌داری هسـت. ایـن ارتبـاط مسـتقیم و مثبـت (۰/٤۱) اسـت؛ بدیـن معنـی کـه هـر چـه اعتمـاد نهـادی افـراد بالاتـر مـی‌رود میـزان مشـارکت آنهـا نیـز افزایـش می‌یابـد و بالعکـس. همچنیـن بیـن اعتمـاد اجتماعـی کل و میـزان مشـارکت اجتماعـی رابطـه‌ی معنـی‌داری وجـود دارد. ایـن ارتبـاط نیـز مسـتقیم و مثبـت (۰/۵۱) اسـت؛ بنابراین، فرضیـه‌ی اصلـی تحقیـق مبنـی بـر اینکـه بیـن اعتمـاد اجتماعـی بـا مشـارکت اجتماعـی رابطـه‌ی معنـی‌داری وجـود دارد تأییـد می‌شـود؛ بـه طـوری کـه هـر انـدازه اعتمـاد اجتماعـی بیشـتر باشـد مشـارکت اجتماعـی هـم بیشـتر می‌شـود و بالعکـس. بـا کاهـش

[Downloaded from rdch.ir on 2026-09-13]

سطح اعتماد دانشجویان، روابط و تعاملات آنها کاهش و از میزان مشارکت آنان نیز کاسته می‌شود. همچنین شدت رابطه بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی در حد متوسط است.

این نتیجه با تحقیق سیپل (۲۰۰۶)، رایستر (۲۰۰۱)، اتکیسون و میکل رایت (۱۹۹۲)، ناک و کیف (۱۹۹۷)، علی‌پور و همکاران (۱۳۸۸)، ازکیا و حسنی‌راد (۱۳۸۸)، سفیری و صادقی (۱۳۸۸)، قریشی و صداقت (۱۳۸۸)، انعام (۱۳۸۱) همچنین با تحقیق دهقان و غفاری (۱۳۸٤) در بین دانشجویان علوم پزشکی شهر تهران همسو می‌باشد. همچنین از دیگر نتایج تحقیق، این است که بین اعتماد نهادی و تعمیم‌یافته با مشارکت ذهنی رابطه‌ی معنی‌داری وجود ندارد، در حالی که بین اعتماد بین‌شخصی و روحیه‌ی مشارکتی رابطه مثبت و معنی‌داری هست. در مقابل، اعتماد نهادی و تعمیم‌یافته نقش به سزایی در مشارکت رفتاری دانشجویان دارد؛ در حالی که اعتماد بین‌شخصی فاقد چنین تأثیری است. رگرسیون خطی چندمتغیره‌ی مشارکت اجتماعی کل با متغیرهای مستقل نشان می‌دهد که به ترتیب میزان تأثیرگذاری بر متغیر وابسته، مشارکت اجتماعی کل از اعتماد نهادی و بین‌شخصی اعمال می‌شود. ضریب استاندارد شده‌ی متغیرهای مذکور به ترتیب ۳۹ و ۳۱ است و به طور کلی مدل ارائه شده ۲۷ درصد تغییرات متغیر مشارکت اجتماعی را تبیین می‌کند. در مجموع، نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی بر میزان مشارکت اجتماعی تأثیر دارد. نتایج این تحقیق با نظریه‌ی پاتنام نیز همسوست که معتقد است: «هر اندازه اعتماد اجتماعی بیشتر باشد، مشارکت هم بیشتر است»؛ بدین دلیل ضرورت دارد که مسئولان امر، برای افزایش اعتماد اجتماعی و در نتیجه مشارکت اجتماعی دانشجویان تدابیر مؤثرتری بیندیشند.

منابع و مآخذ

آزاد ارمکی، تقی و کمالی، افسانه (۱۳۸۳)، «*اعتماد، اجتماع و جنسیت*»، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۲: ۱۰۳- ۱۱۹.

ارسطو (۱۳٦٤)، *سیاست*، ترجمه‌ی حمید عنایت، تهران: علمی و فرهنگی.

ازکیا، مصطفی و حسنی‌راد، کریم (۱۳۸۸)، «*نقش اعتماد اجتماعی در مشارکت مردم در طرح‌های توسعه روستایی*»، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره ۱: ۷- ۲۷.

ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳)، *توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران*، تهران: نی.

ـــــــــــــ . (۱۳۸۰)، «*بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان*»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷: ۳- ۳۲.

انعام، راحله (۱۳۸۱)، «*بررسی اعتماد بین‌شخصی در بین روستاهای نمونه‌ی شهرستان شهریار*»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا تهران.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-09-13]

اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲)، *تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی*، ترجمه‌ی مریم وتر، تهران: کویر.
بلوردی، طیبه و بلوردی، زهیر مصطفی (۱۳۹۱)، «*بررسی روحیه مشارکت جویی دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: دانشگاه‌های منطقه هفت کشور)*»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره سیزدهم، شماره ۳: ۵۷- ۸۲.
پاتنام، رابرت (۱۳۸۰)، *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه‌ی محمد تقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
پناهی، محمدحسین و دهقانی، حمید (۱۳۹۱)، «*بررسی عوامل مؤثر بر شادی دانشجویان با تأکید بر مشارکت اجتماعی*»، جامعه شناسی کاربردی، شماره ٤٧: ۱- ۱۸.
توسلی، غلام عباس (۱۳۸۲)، *مشارکت در شرایط جامعه آنومیک (رابطه‌ی آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی با مشارکت اجتماعی)*، تهران: دانشگاه تهران.
دهقان، علیرضا و غفاری، غلامرضا (۱۳۸٤)، «*تبیین مشارکت اجتماعی فرهنگی دانشجویان علوم پزشکی شهر تهران*»، مجله انجمن جامعه شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۱: ٦٧- ۹۸.
زارع شاه‌آبادی، اکبر و نوریان نجف، محمد (۱۳۹۱)، «*بررسی رابطه اعتماد با مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه یزد*»، دو فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، شماره ۱: ٤٧- ٦٩.
زتومکا، پیتر (۱۳۸٦)، *نظریه جامعه شناختی اعتماد*، ترجمه‌ی غلامرضا غفاری، تهران: شیرازه.
سروش، مریم و افراسیابی، حسین (۱۳۸۹)، «*سرمایه اجتماعی، هویت و مشارکت اجتماعی جوانان شیراز*»، دو فصلنامه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره ۵: ۱۲۳_ ۱۵۵.
سفیری، خدیجه و صادقی، مریم (۱۳۸۸)، «*مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن*»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیستم، شماره ۲: ۱- ۳٤.
شادی طلب، ژاله (۱۳۸۲)، «*مشارکت اجتماعی زنان*»، پژوهش زنان، دوره اول، سال سوم، شماره ۷: ۱٤۱_ ۱۷٦.
شارع‌پور، محمود (۱۳۸۵)، *سنجش سرمایه اجتماعی در استان مازندران (مناطق شهری و روستایی)*، مازندران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی مازندران.
ـــــــــــــ (۱۳۸۰)، «فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن»، نامه انجمن جامعه شناسی ایران، شماره ۳: ۱۰۱- ۱۱۲.
طوسی، محمد علی (۱۳۷۰)، *مشارکت (در مدیریت و مالکیت)*، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
علی‌پور، پروین، زاهدی، محمدجواد و شیانی، ملیحه (۱۳۸۸)، «*اعتماد و مشارکت*

[Downloaded from rdch.ir on 2026-09-13]

(بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران)»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، شماره ۲: ۱۰۹- ۱۳۵.
عمر، سالیما (۱۳٦۵)، *دموکراسی مشارکتی و نهادهای توسعه مشارکتی*، ترجمه‌ی عباس مخبر، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
قدرتی، حسین (۱۳۸۷)، «*مطالعه اعتماد اجتماعی درون‌نسلی و بین‌نسلی در شهرهای مشهد و سبزوار*»، پایان نامه دکتری جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز.
قدیمی، مهدی (۱۳۸٦)، «*بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های زنجان*»، مجله پژوهش‌نامه علوم انسانی، شماره ۵۳: ۳۲۵- ۳۵٦.
قریشی، فخرالسادات و صداقت، کامران (۱۳۸۸)، «*بررسی نقش عوامل فرهنگی ـ اجتماعی مرتبط با شکل‌گیری اعتماد اجتماعی شهروندان تبریز*»، جامعه شناسی کاربردی، سال بیستم، شماره ۱٤: ۷۵- ۱۰۲.
کلمن، جیمز (۱۳۸٦)، *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نی.
کیاکجوری، سعید و افراسیابی، حسین (۱۳۹۱)، «*مطالعه اعتماد اجتماعی و عوامل مرتبط با آن در میان دانشجویان*»، دو فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، شماره ۲: ۱٤۳- ۱٦۵.
گائوتری، هوین (۱۳۷۹)، *مجموعه مقالات مشارکت در توسعه*، ترجمه‌ی هادی غبرایی و داوود طبایی، تهران: سروش.
گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰)، *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
معین، محمد (۱۳٦۲)، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.
منصوریان، محمدکریم و قدرتی، حسین (۱۳۸۸)، «*اعتماد اجتماعی و تعیین‌کننده‌های آن: رهیافت نهاد محور یا رهیافت جامعه محور؟ (مورد مطالعه: شهر سبزوار)*»، فصلنامه جامعه شناسی کاربردی، شماره ۳٤: ۲۱۵-۱۸۹.
نیازی، محسن (۱۳۸۵)، «*تبیین مشارکت اجتماعی شهروندان کاشان*»، فصلنامه کاشان شناخت، شماره ۲: ۱۲۷- ۱٤۷.
وحیدا، فریدون و نیازی، محسن (۱۳۸۳)، «*تأملی در مورد رابطه‌ی ساختار خانواده و مشارکت اجتماعی در شهر کاشان*»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۳: ۱٤۵- ۱۷۵.
یارمحمد توسکی، مریم و توسلی، غلامعباس (۱۳۸٤)، «*بررسی بنیان‌های سرمایه‌ی اجتماعی با تکیه بر اعتماد اجتماعی: مطالعه موردی دانشجویان شهر اراک ۱۳۸٤*»، فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی، سال اول، شماره ٤: ۱۳- ۳۰.
یزدان پناه، لیلا و صمدیان، فاطمه (۱۳۸۷)، «*تأثیر ویژگی‌های فردی و اجتماعی بر مشارکت اجتماعی زنان کرمانی*»، فصلنامه مطالعات زنان، دوره ششم، شماره ۲: ۱۲۷- ۱٤۹.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-09-13]

Ajzen, I., & Fishbein, M (۱۹۹۹) *Understanding attitudes and predicting social behavior*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
Atkinson A. and J. Micklewright (1992), «*Economic Transformation in Eastern European and the Distribution of income*», Cambrig: Cambrig University Press.
Costa D. L & M. E. Kahn (2001), «*Understanding the Decline in Social capital*», NBER Working Paper n 8295, May.
Cowie, A. P (1993), *Oxford Advanced Learner's Dictionary*, Oxford university press.
Fukuyama, F (1995), «*Trust: the social virtues and the creation of prosperity*», Hamish Hamilton, London. pp: 25-26.
Fukuyama. F (1999), *What is Social Capital? The Institute of Public Policy George Mason University*, Prepared for delivery at the IMF Confernce on Second Generation Reforms, October 1999.
Kelly, D (2009), «*In Preparation for Adulthood, Exploring Civic Participtionand Social Trust Among Young Minorities*», Youth & Sociaty, Vol. 40, Number 4: 526- 540.
Klandermans, B (1984), «*Mobilization and participation: Social-psychological expansions of resource mobilization theory*», American Sociological Review, 49: 583-600.
Knack, S. & P. Keefr (1997), «*Does Social Capital Have an Economic Payoff ?*» Quarterly Journal of Economic, 112: 1251- 1288.
Luhman, Niklas (1997) , *Trust and power*, New York: Johnwiley.
Putnam, R, D (1993), *The Prosperous Community: Social Capital and Public Life in the American Prospect*, 4 (13).
Putnam. (2000), *Bowling Alone, the Collapse and Revival of American Community*, New York : Simon and Schuster press.
Raser, M, C. Haerpfer, T. Nowtnyand, C. Wallac (2001), «*Social Capital in transition: A frist look at the Evidence*», Working Paper No. 61, European Bank for Reconstruction and Development.
Seipel. O (2006), «*Sport and Social Capital*», ActaSocialogical, Vol. 49, No. 2: 169- 183.
Simmel, G (2004), *The Philosophy of Money*, Translated by T. Bottomore. Londen: Routledge.
Uslaner, E. M. & M. Brown (2003), «*Inequality, Trust and Civic Engagement*», American Politics Research, Vol. 31, No.x, 1-27.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-09-13]

Social trust and its impact on social participation of university students in Hormozgan

Mostafa Zahiri Nia
Hedayatollah Nik Khah
Ahmad Fallahi Shah Abad
Soheil Sadeghi
Omid Aziz Zadeh

Abstract

Participation is considered one of the most important issues in the research on social capital so that its importance has been widely emphasized by various political and social theorists. Formation of student organizations and students' participation in them are affected by various individual and social variables. This paper aims to study the extent of trust and its relation to social participation of students of Hormozgan University. Statistical population consists of all students of Hormozgan University students in 2013-2014 academic years, 250 people of whom were selected randomly based on statistical sampling. Method of this research was survey and data were gathered by using questionnaires. In order to assess the validity and reliability of the questionnaire, content validity and Cronbach's alpha coefficient was used. In this study, Putnam's theory on social trust was used as the theoretical framework and data were studied and analyzed using spss software. Results of the findings show that students have an average degree of participation and this has a positive and direct relation to social trust. In addition, results of the multiple regression model show that 39 percent of the dependent variables can be explained and predicted by the independent variable. The final result of the study on explaining social participation of students is that trusting officials had the most impact and trusting teachers have had the minimal impact on social participation.

Key Words: Social participation, social trust, interpersonal trust, generalized trust, institutional trust, students of Hormozgan University.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-09-13]